

# ابراهیم یزدی و میراث شوم اسلامیش!

محسن ابراهیمی

صفحه ۲

انترناسیونال می پرسد:

## آیا کره شمالی کشوری کمونیستی است؟

علی جوادی پاسخ می دهد

صفحه ۴

## در باره استراتژی جدید آمریکا در افغانستان

سیامک بهاری

وخامت وضعیت امنیتی در افغانستان هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. ناامنی چه در آنجا که قدرت دولتی هنوز باقی مانده است و چه مناطق تحت نفوذ و تسلط نیروهای طالبان و داعش، فاجعه بار است. جنگ و آوارگی، آشکارا دارد شیرازه جامعه را از هم می پاشد. اعلام استراتژی جدید آمریکا در افغانستان در چنین اوضاعی و به بهانه تشدید ناامنی و ضعف نیروهای دولتی در تأمین امنیت در افغانستان، ظاهرا یکی از توجیحات تقویت حضور نظامی آمریکا در این کشور است.

صفحه ۵

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

## در باره کشته و زخمی شدن چهار فقر از اهالی یک روستا در نوار مرزی ایران و عراق توسط نیروهای سازمان زحمتکشان (شاخه مهدی)

حسن صالحی

صفحه ۸

## جمعی از دانشجویان با خانواده رضا شهابی دیدار کردند

این گوشه ای از گسترش روند همبستگی در میان طبقه کارگر است. پدیده ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ جنبش کارگری ایران و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه سرکوبگران و استعمارگران این سنت سیاسی چپ و شکوهمند را باید هرچه بیشتر دامن زد. این تصویری است از روند سیاسی مهمی که در میان دانشجویان خودآگاهی و عمق بیشتری پیدا کرده است.

زنده باد همبستگی با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی.

زنده باد همبستگی طبقاتی علیه مفتخوران حاکم



# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۲۷

جمعه ۱۰ شهریور ۱۳۹۶، ۱ سپتامبر ۲۰۱۷

## خبر و نظر

- \* فقر و ثروت دو روی سکه جمهوری اسلامی
- \* قبل از انقلاب سینما آتش زد
- \* افتضاح تازه بی بی سی در توجیه بخشنامه فاشیستی
- \* جذب جهانی اسلام
- \* در مرگ يك مهره منفور سیاسی

صفحه ۹ و ۱۰

## پلاتفرم جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد کشتارهای دهه شصت

صفحه ۷

## اعتراضات سراسری کارگران گسترش می یابد

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

## کارگران هپکو و آذرآب اراک دست به راهپیمایی و تجمع زدند وزیر صنعت و معدن سفر خود به استان مرکزی را ملغی کرد

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

## در ادامه کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۱۱

## فاشیسم عریان جمهوری اسلامی!

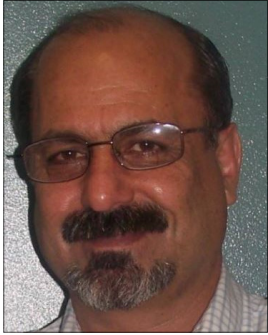
## اعتراض مردم و عقب نشینی مفتضحانه حکومت!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۲

# ابراهیم یزدی ومیراث شوم اسلامیش!

محسن ابراهیمی



هم "مرکزیت سیاسی" دارد و هم دار و دسته خارج کشوری جبهه ملی و نهضت آزادی و انجمن های اسلامی به راحتی می توانند پیش امام رفت و آمد کنند.

یکی از افتخارات یزدی این است که امام را، بعد از اخراج از عراق، قانع کرده به پاریس برود که هم "مرکزیت سیاسی" دارد و هم دار و دسته خارج کشوری جبهه ملی و نهضت آزادی و انجمن های اسلامی به راحتی می توانند پیش امام رفت و آمد کنند.

او در خاطراتش مینویسد: "در طول راه از ایشان پرسیدم برنامه چیست و کجا می روید. گفتند به کویت می روند و بعد از چند روز اقامت در کویت به سوریه می روند. گفتم رفتن به سوریه بی فایده است. بهتر است بروید به جایی از دنیا که بتوانید حرف تان را بزنید، ایشان نپذیرفت. ایشان تردید داشتند که آیا یک مرجع شیعه مناسب است که به ولایت کفر برود یا نه. راست هم می گفتند، خیلی عجیب بود، امروز برای ما عادی است ولی در آن زمان خیلی عجیب بود که یک مرجع بزرگ از بلاد اسلامی به بلاد کفر برود."

مردن علیه نابرابری و استبداد هیچ نقشی نمیتوانست ایفا کند و امواج انقلاب حتما او را مثل خرد و ریزهای بعد از طوفان به ساحل انقلاب پرت میکرد.

اما شارلاتانهایی مثل ابراهیم یزدی و همپالکیهایش دورش را گرفتند، به پاریس بردند، به قول خود یزدی "برنامه سیاسی امام" را نوشتند، نقشه "چگونگی انتقال قدرت" را تهیه کردند، "تشکیل شورای انقلاب" (همان شورای ضد انقلاب اسلامی) و تشکیل دولت موقت و برگزاری referendum برای تغییر سلطنت به "حکومت جمهوری اسلامی" را به "امام خمینی" عرضه کردند، برایش پوشش خبری و رسانه ای سازمان دادند، شب و روز برای فروختن این آخوند مرتجع به عنوان رهبر انقلاب به مردم ایران و جهان به هر زدالتی و هر شیادی ای متوسل شدند، و بالاخره با آن پرواز مشهور و شوم مثل لاشخورهای اسلامی همراه خمینی به ایران بازگشتند و در مقام وزیر وکیل و طراح سپاه پاسداران و بازجو و شکنجه گر به نقششان ادامه دادند و یک انقلاب شکوهمند را سلاخی کردند. میدانید که خود ابراهیم یزدی که از مشاورین ۲۴ ساعته خمینی در نوفل لوشاتو بود فوراً به شغل معاون نخست وزیر و وزیر خارجه خمینی ارتقا مقام یافت.

یکی از افتخارات یزدی این است که امام را، بعد از اخراج از عراق، قانع کرده به پاریس برود که

میان نقش کلیدی داشت. او بعداً در خاطراتش با افتخار از این حرف میزند که یکی از مهمترین محورهای ملاقات با غریبها ترس از قدرت گرفتن "کمونیستها" بود. آری این ترس از کمونیسم و مضمون چپ گرایانه انقلاب ۵۷ بود که زمینه انتقال و توطئه علیه آن را فراهم کرده بود و برای ایفای این نقش شوم چه کسانی بهتر از مکلاهای اسلامی بودند که در غرب تحصیل کرده بودند. چه کسی بهتر از ابراهیم یزدی بود که به قول خودش "سالها نماینده خمینی برای دریافت و هزینه وجوهات" بوده است؛ یار غار چمران (قاتل فواد مطفی سلطانی) در لبنان و مصر برای سرو سامان دادن به مرتجعین اسلامی بود؛ سالها برای راه انداختن انجمنهای اسلامی در آمریکا تلاش کرده بود؛ در آمریکا تحصیل کرده بود، کراوات میزد، انگلیسی صحبت میکرد، سیستم آمریکا و غرب را میشناخت و میتوانست "امام" را به مردم جهان به عنوان رهبری که مثل گاندی است و در فکر حکومت نیست و مشکلی هم با آمریکا و غرب ندارد معرفی کند! کوچه های زیبا، افکار کثیف و دلان اسلامی!

خمینی اگر به حال خود رها میشد، باتوجه به موقعیت آخوندها در میان مردم ایران که بیشتر مایه مضحکه بودند، با توجه به عقاید ارتجاعیش که در خرداد ۴۲ از خود نشان داده بود، در مقطع یک انقلاب

باشکوه را سلاخی کرد، برآمد رونها و دخالت فاکتورهای متعدد جهانی، منطقه ای و داخلی بود. این را همه میدانند و اینجا جای بحث نیست. اما در این میان، طیف ملی اسلامیها و در میان این طیف، شخصیهایی در مقابله و به شکست کشاندن آرزوهای میلیونها انسان بیخاسته در انقلاب ۵۷ نقش برجسته ای داشته اند و دقیقاً به خاطر آن نقششان باید در مقابل کارگران، زنان و جوانان و مردمی پاسخگو باشند که سه نسل تمام زندگیشان به تباهی کشیده شده است.

ابراهیم یزدی در مصاحبه ای با نشریه "نامه" در سال ۱۳۸۳ میگوید:

"نظریه برژینسکی این بود که در غیاب شاه تنها نیرویی که می تواند جلوی خطر کمونیسم را در ایران بگیرد هماهنگی و ائتلاف میان نظامیان و روحانیان است. این سخن برژینسکی همان منطق سیاسی است که بر اساس سران آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان در کنفرانس گوادولوپ جمع شدند تا علیه انقلاب ۵۷ توطئه کنند.

ابراهیم یزدی در مصاحبه ای با نشریه "نامه" در سال ۱۳۸۳ میگوید:

"نظریه برژینسکی این بود که در غیاب شاه تنها نیرویی که می تواند جلوی خطر کمونیسم را در ایران بگیرد هماهنگی و ائتلاف میان نظامیان و روحانیان است. این سخن برژینسکی همان منطق سیاسی است که بر اساس سران آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان در کنفرانس گوادولوپ جمع شدند تا علیه انقلاب ۵۷ توطئه کنند.

مینا احدی در یادداشتی کوتاه در فیسبوک نوشته است:

"نام ابراهیم یزدی در کنار دیگر معماران حکومتی که هزاران نفر را کشت و زندگی میلیونها را به گروگان گرفت ... با ننگ و خون آغشته است و حیف که نماند تا در یک دادگاه علنی در مقابل چشمان همه مردم دنیا، پرونده سیاه خوش خدمتی اش به ارتجاع اسلامی روشن تر شود."

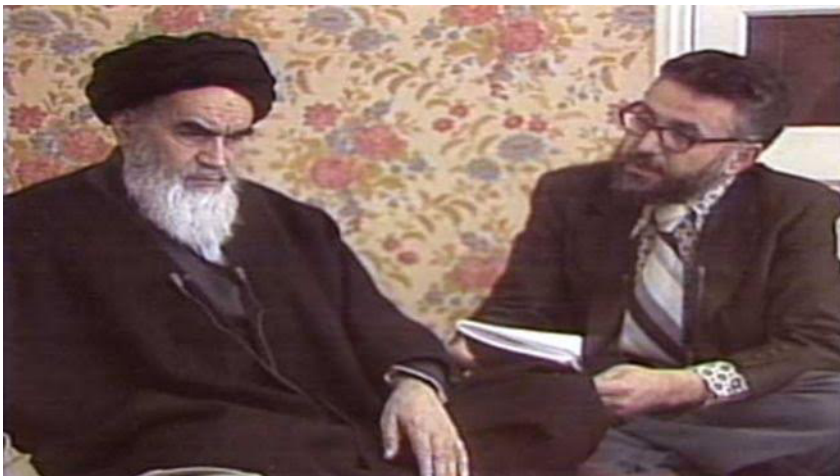
مطمئنم الان چشمان ملی - اسلامیها از این اظهار تاسف مینا احدی از رهبران حزب کمونیست کارگری از تعجب چهارتا شده است! آخر چگونه میتوان آرزو کرد این فرزند لایق و پرکار و قدیمی جنبش ملی - اسلامی، که گویا بعد از رانده شدن از درگاه خمینی برای "دمکراسی و تعامل و اصلاحات" تلاش میکرده است، محاکمه شود؟ جای دور نرویم. همین الان در برنامه های بی بی سی و رسانه های نان به نرخ روز فارسی زبان مهمانان ملی - اسلامی در باره خدمات این شخصیت که با حکومت اسلامی زاویه پیدا کرده بود چه ها که نمیگویند. بی بی سی اولین برنامه اش در باره ابراهیم یزدی را با این سخنان شروع کرد: "بیش از نیم قرن سیاست ورزی برای ریشه کردن دمکراسی و فرهنگ تحزب!"

به خاطر بیابورید که این حاتم بخشی بی بی سی در باره ریشه دار کردن "فرهنگ تحزب" در باره یکی از بنیانگذاران حکومتی است که با شعار "حزب فقط حزب الله" یکی از خونین ترین تعرضها را علیه احزاب و سازمانهای سیاسی سازمان داد و دهها هزار انسان را فقط به جرم هواداری از سازمانهای چپ و آزادیخواه کشتار کرد!

دلالت سیاسی در یک ائتلاف شوم!

اجازه بدهید کمی در "تیم قرن سیاست ورزی" ابراهیم یزدی برای برپا ساختن عمارت خونین و چرکین اسلامی در ایران تامل کنیم:

هم انقلاب ۵۷، و هم ضد انقلاب اسلامی که آن انقلاب



اگر ژنرال هایزر مامور قانع کردن ارتش برای این ائتلاف کثیف بود، ابراهیم یزدی هم به همراه خیل ملی - اسلامیهایی مثل بنی صدر و قطب زاده نقش اصلی برای انسجام دادن به طرف دیگر این ائتلاف یعنی روحانیون و در رأس خمینی را به عهده گرفتند. ابراهیم یزدی در این

حکومت اسلامی نقش ایفا کرده است. در استقرار حکومت اسلامی به آرزوی رسیدن اما زنده نماند تا به گور سپرده شدن قطعی حکومت اسلامی توسط جنبش سرنگونی مردم ایران را ببیند. زنده نماند تا هم به جرم نقش فعالش برای سرکار آوردن جنبش اسلامی و خمینی و هم به جرم تلاش برای تداوم حکومت اسلامی به نام و توجیه اصلاح طلبی پاسخگو باشد.

نجات این جنبش در مقابل جنبش وسیع مردم، تلاش می‌کند. بی دلیل نیست که تا لحظه مرگش، همه تخم مرغهایش را در سبد "اصلاح طلبان" مرتجع حکومتی گذاشت، که در برابر جنبش سرنگونی انقلابی حکومت سد ایجاد کنند. اول تلاش کرد وکیل مجلس اسلامی شود؛ بعداً از خاتمی حمایت کرد؛ بعداً کاندید ریاست جمهوری شد و بالاخره دست در دست حسن روحانی گذاشت.

ابراهیم یزدی هم در برپا داشتن حکومت اسلامی و هم در حفظ

کردن ملی - اسلامیها از اقصی نقاط جهان دارد تا دستان خونین ابراهیم یزدی و از این طریق دستان کل جریان ملی - اسلامی را پاک کند. در پی مرگ یزدی، بی بی سی برنامه مفصلی با ملی - اسلامیهایی مثل عبدالعلی بازرگان و محمد توسلی دبیر سیاسی نهضت آزادی گذاشت و کلی تلاش کرد نقش یزدی در علم کردن خمینی و راه انداختن لجنزار اسلامی را توجیه کند!

حکومت اسلامی از همان هنگام به قدرت رسیدن در معرض تنشهای داخلی میان جناحهای مختلف جریان اسلامی بوده است. جنگ قدرت و جنگ بر سر شیوه حکومت داری اسلامی هیچوقت دست از سر حکومت اسلامی برنداشته است. اما خمینی، که اتفاقاً به کمک جانانه دلان نوفل لوشاتو مثل ابراهیم یزدی، به موقعیت رهبر بلامنازع جنبش اسلامی رسیده بود، در هر نقطه عطف سیاسی تعدادی از پادوهای پاریس را در تهران با اردنکی از حکومت بیرون انداخت. ابراهیم یزدی هم، یکی از آنها بود.

ابراهیم یزدی اپوزیسیون جنبش اسلامی و حکومت اسلامی نبود، از مغضوبین آخوندی بود که خودش در امام کردش عرق ریخته بود. اپوزیسیون ارتجاع اسلامی نبود که خودش در پروار کردنش نقش داشت بلکه، بر سر نحوه تثبیت و تداوم عمر حکومت اسلامی اختلاف داشت. اگر در مقطع انقلاب ۵۷ و برای به خون کشیدن این انقلاب توسط جنبش اسلامی جانانه کار کرده بود، در سراسیمگی این جنبش ارتجاعي هم، تا لحظه مرگش، این بار برای

ابراهیم یزدی در مدت اقامت آقای خمینی در نوفل لوشاتو یکی از مهمترین مشاورین خمینی بود که به قول خودش در صبح‌های زود که در کوچه های "بسیار آرام، زیبا و خوش منظره" با بنیان گذار جمهوری اسلامی قدم می‌زد با خمینی در باره آینده ایران حرف می‌زدند.

مهمترین مشاورین خمینی بود که به قول خودش در صبح‌های زود که در کوچه های "بسیار آرام، زیبا و خوش منظره" با بنیان گذار جمهوری اسلامی قدم می‌زد با خمینی در باره آینده ایران حرف می‌زدند.

در همان صبحها و در همان کوچه های "بسیار آرام، زیبا، خوش منظره" بود که مرتجعینی مثل ابراهیم یزدی زیر عباي خمینی را گرفتند و دنیای بسیار آرام، بسیار نازیب و بسیار کریه المنظر اسلامی را بر مردم ایران حاکم کردند. در کوچه های نوفل لوشاتو و زیر درخت سیب بود که علیه طبقه کارگر ایران، علیه میلیونها انسانی توطئه کردند که بر ضد ظلم و ستم و نابرابری پیا خاسته بودند؛ علیه انقلاب مردمی توطئه کردند که پیا خاسته بودند تا زندگیشان را از دست سرمایه و طبقه سرمایه دار و سلطنت و شاهشان رها کنند.

آخرین تقلاها برای حفظ حکومت اسلامی! در پایان چند کلمه در باره تلاش مذبحخانه ملی - اسلامیها بگویم که با فرصت طلبی بیش‌رمانه می‌خواهند نقش ابراهیم یزدی در برپا کردن عمارت خونین اسلامی را با توسل به رانده شدن او به "اپوزیسیون" ماست مالی کنند. ظاهراً بی بی سی برنامه مفصلی برای جمع و جور

ابراهیم یزدی در جایی می‌گوید که "رفتن شاه از ایران نبود که به انقلاب (ضد انقلاب اسلامی) جان داد، بلکه ۱۱۹ روزی که آیت اله خمینی در پاریس بود تعیین کننده بود و جنبش را به صورت يك انقلاب درآورد. هیچ روزنامه نگار و رسانه گروهی در غرب نبود که به پاریس نیامده و مصاحبه نکرده باشد". دقیقاً درست است. نوفل لوشاتو بازار اصلی فروش خمینی به مثابه يك شخصیت سیاسی و رهبر بود و امثال یزدی هم دلالان اصلی در این معامله کثیف تاریخی بودند.

نوفل لوشاتو بازار اصلی فروش خمینی به مثابه يك شخصیت سیاسی و رهبر بود و امثال یزدی هم دلالان اصلی در این معامله کثیف تاریخی بودند.

گری سیک، از اعضای شورای امنیت ملی دولت کار تر، درباره نقش فعال این نوچه‌های خارج کشوری خمینی این چنین صحبت کرده است که یزدی به آمریکا آمد تا ما را قانع کند که نباید از خمینی واهمه داشت و اینکه هدف حکومت اسلامی است که با ایده آل‌های آمریکا و دموکراسی و آزادی فردی و حقوق بشر تناقض ندارد! اینکه ایران به دامن کمونیست‌ها خواهد افتاد و مانعی برای رابطه با آمریکا وجود ندارد!

جهت اطلاعاتان دیروز همین گری سیک مهمان محترم بی بی سی بود که به دلایل کاملاً قابل فهمی مرتب احترام خود را به ابراهیم یزدی از طریق این بلند گوی خارج کشوری ملی - اسلامیها اعلام کرد.

ابراهیم یزدی در مدت اقامت آقای خمینی در نوفل لوشاتو یکی از

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۱۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

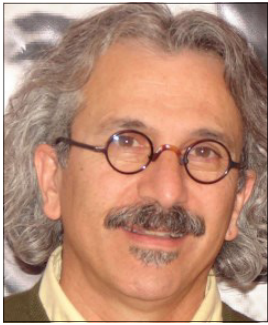
از ایران: عبدالگلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



## انترناسیونال می پرسد:

## آیا کره شمالی کشوری کمونیستی است؟

## علی جوادی پاسخ می دهد



کاذب در ادبیات ما به عنوان "کمونیسم جهان سومی" شناخته میشود که در کشورهای عقب مانده و مشخصا مستعمرات سابق شکل گرفته بود. استقلال اقتصادی، صنعتی شدن و توسعه اقتصاد ملی و خودی بر مبنای الگوی سرمایه داری عمیقا بوروکراتیک و دستوری در دستور کار عمومی این کشورها قرار گرفت. در این کشورها احیا و گسترش مناسبات عقب مانده و ارتجاعی فرهنگی و کهنه محلی در مقابله با مدرنیسم و فرهنگ پیشرفته در غرب محتوای اجتماعی این الگوی حکومتی را تشکیل میداد. "کمونیسم چینی" و "مائوئیسم" تاثیر عمیقی در شکل گیری این نوع "کمونیسم جهان سومی" داشت. امروز کره شمالی یک کشور فقر زده، گرسنه، استبداد زده و عمیقا محروم و نابرابر است. خاندان سلطنتی ایل سونگ زندگی و آینده این مردم را به تباهی و سیاهی کشانده است.

باز تاکید میکنم کره شمالی علیرغم برخی ادعاهای کاذب، چه در حاکمیت این کشور و چه توسط رسانه های بورژوازی غرب، هرگز کشوری سوسیالیستی نبوده است. در کره شمالی نوعی سرمایه داری دولتی عقب مانده و استبدادی و موروثی حاکم است.

بنظرم جنگ و رو در رویی نظامی استراتژی سیاسی و نظامی هیچکدام از طرفین این کشمکش نیست. بعلاوه نیروهای بسیاری در سطح منطقه و جهان و از جمله حاکمان کره جنوبی، ژاپن و چین و روسیه خواهان جنگی در این منطقه نیستند. استراتژیهای سیاسی و نظامی در هر دو سوی معادله مخاطرات ناشی از چنین جنگی را بخوبی میدانند. هر تقابل نظامی در این منطقه میتواند سرعت به یک جنگ اتمی و مرگبار تمام عیار برای کل این منطقه تبدیل شود.

در این تخصم، نقش چین و کره جنوبی در دو طرف این معادله تعیین کننده است. وجود کره شمالی برای چین عملا بمثابة منطقه تحت نفوذ و برگی در بند و بست و معامله با آمریکا در دوران ترامپ است. از طرف دیگر هر جنگی در منطقه علاوه بر کره شمالی، قربانی دیگرش کره جنوبی و موقعیت این کشور و

نبودند. هیچگاه مردم در تعیین حاکمیت سیاسی نقشی نداشته اند. در این کشور هیچگاه هدف فعالیت اقتصادی تامین رفاه گسترده و همگانی نبود. هیچگاه انسانها به لحاظ سیاسی و اجتماعی برابر و آزاد نبودند. در این کشور مانند بسیاری از کشورهای سرمایه داری توده های عظیم کارکن فاقد کمترین حقوق و اختیارات شناخته شده بین المللی هستند. در این کشور مانند تمامی کشورهای سرمایه داری نیروی کار کارگر کالا است. کارگر و توده مردم کارکن برای بقاء ناچار به فروش بسیار بسیار نازل نیروی کار خود هستند. مالکیت وسایل تولید و توزیع در جامعه در دست طبقه و باند حاکم است. در این جامعه اثری از انسانیت و مدرنیسم نیست. سیستم حکومتی این کشور تشابه بسیاری با سیستمهای حکومتی موروثی و سلطنتی دارد. راس حکومت فرزند ذکور خود را به عنوان جانشین خود به قدرت می نشاند. و هر تغییری همواره با جنایات بسیار برای تحکیم قدرت همراه است.

تقسیم کره به کره شمالی و جنوبی و اصول شکل گیری این کشور و حکومت فعلی آن محصول جنگ دوم جهانی و کشمکشهای دو بلوک شرق و غرب در دوران پسا جنگ سرد و تقسیم مجدد جهان در این دوره است. سلسله و خاندان ایل سونگ محصول جنگ چریکی نیروهای متحد شوروی با نیروهای اشغالگر ژاپن در دوران جنگ دوم جهانی ژاپن است. در این دوران بسیاری از نیروها و جنبشهای دهقانی و ضد استعماری که کوچکترین قربانی با کمونیسم کارگری نداشتند، تحت حمایت بلوک شوروی و همچنین محبوبیت و اعتبار جهانی و عمیق مارکسیسم خود را بعضا "چپ" و "کمونیست" قلمداد میکردند. این نوع کمونیسم

دارند. کره شمالی اما مانند بسیاری از کشورهای بلوک شرق و چین در دوره های خود را کشور "کمونیستی" قلمداد کرده و مهیکند و همین ادعاهای کاذب طبقه حاکمه در این کشورها در عین حال بخشا زمینه ساز موثر بودن این تبلیغات کاذب بورژوازی غرب بوده است.

تبلیغات رسانه های بورژوازی و مشخصا آمریکایی در این برهه زمانی مبنی بر کمونیستی قلمداد کردن کره شمالی بازتاب و انعکاس تبلیغاتی این نیاز آنها در مواجهه و جدال با حکومت ارتجاعی و استبدادی کره شمالی است. به چنین تبلیغاتی نیاز دارند. همانطور زمانیکه میخواستند یوگسلاوی را چند پاره کنند و میلوسویچ را سرنگون کنند، باز در این تبلیغات دمیدند. از این رو این بار نیز باز در دست در توبره تبلیغات ضد کمونیستی و همیشگی خود کرده اند. اما دزه ای حقیقت در این ادعای بی مقدار آتی کمونیستی موجود نیست.

در کره شمالی هیچگاه تلاشی برای استقرار سوسیالیسم نشد. برخلاف روسیه که انقلاب کارگری اکثر قدرت سیاسی را از آن طبقه کارگر کرد و یک حکومت کارگری در این کشور برای چند سالی شکل گرفت اما در دگرگون کردن مناسبات اقتصادی سرمایه داری شکست خورد، در کره شمالی چنین تحولی هیچگاه صورت نگرفت. هیچگاه حتی نسبی از سوسیالیسم بر خلاف کشور کوچکی مانند کوبا در آن وزیده نشد. در کره شمالی هیچگاه انسانها آزاد و برابر و مرفه نبودند. هیچگاه دگرگونی و بهبود و حتی اصلاحات اجتماعی دندان گیری به نفع برابری اقتصادی انسانها صورت نگرفت. در کره شمالی هیچگاه آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی وجود نداشت، احزاب و مطبوعات و رسانه ها هیچگاه آزاد

انترناسیونال: کره شمالی از خبرسازترین کشورهای جهان است. کشوری با توانایی های موشکی و اتمی که برخی از کشورها و در راس آن آمریکا را به حمله موشکی و اتمی تهدید می کند. کره شمالی کشوری بسته، با مردمانی فقیر و تحت کنترل و با حکومتی مخوف که روش های خشن اداره کشور و کنترل شهروندانش شهره است. ضد آمریکایی گری وجه برجسته سیاست خارجی این حکومت است. بسیاری از مخالفین کمونیست ها از هر فرصتی بهره جسته و در تبلیغات خود کره شمالی را نمونه یک کشور کمونیستی معرفی می کنند. آیا کره شمالی کشوری کمونیستی و یا سوسیالیستی است؟ کشمکش آمریکا و کره را چگونه توضیح میدهید. آیا این کشمکش ممکن است به یک جنگ تمام عیار و اتمی منجر شود؟

**علی جوادی:** واقعیت را باید از تحریفات و تبلیغات ضد کمونیستی تفکیک کرد. کره شمالی با هیچ شاخصی، چه سیاسی، چه اقتصادی و چه نظری و ایدئولوژیک هیچگاه یک کشور کمونیستی و یا سوسیالیستی نبوده است. این واقعیت، که نه تنها کره شمالی بلکه حتی تمامی کشورهای بلوک شرق و مشخصا شوروی سابق هرگز یک کشور و یا بلوک سوسیالیستی نبودند و سوسیالیسم به معنای مارکسی، کارگری و شناخته شده آن هرگز در این کشورها مستقر نشد، یک واقعیت انکار ناپذیر است. این ارزیابی تنها ادعای ما کمونیستهای کارگری، ما مارکسیستها و پرچمداران استقرار یک نظام آزاد و برابر و انسانی و سوسیالیستی نیست. حتی بخشهایی از خود متفکرین و آکادمیسین های بورژوازی آنجا که مشغول تبلیغات عوامفریبانه در دفاع از هیات حاکمه نیستند، به این حقیقت ساده اذعان

کشورهای مجاور خواهد بود. این واقعیات تماما بر جلوگیری از جنگ علیرغم تهدیدها و رجز خوانیهای طرفین تاکید میکنند. اما سیر حوادث و رویدادها را الزاما استراتژی سیاسی و نظامی نیروهای درگیر تعیین نمیکند، اشتباه محاسبه در ارزیابی نیات و حرکات طرف مقابل، تهدیدها و رجزخوانیهایی که میتوانند در یک لحظه تاریخی به پیشدستی یک طرف در خنثی کردن عمل طرف مقابل منجر شود، جملگی میتوانند سهمی در شکل گیری چنین تقابلی ایجاد کنند. به این مجموعه دیوانگی محض و افسارگسیختگی دانالد ترامپ و کیم جونگ اون را اضافه کنید، جنگ میتواند یک احتمال واقعی اما نه غالب باشد.

تاکنون بسیاری از مفسران و متفکرین سیاسی در آمریکا نگرانی خود را از چنین واقعیتی علنا ابراز کرده اند. اینک جانورانی مانند ترامپ و کیم جونگ در اوج هیجان عصبی میتوانند با فشار دادن یک دکمه قرمز موشکهای اتمی خود را به سوی مقابل شلیک کنند و صدها هزار تن انسان بی گناه را در چند لحظه به آتش کشیده و به خاکستر تبدیل کنند و زخم عمیقی بر پیکر نسلهایی از انسانها وارد کنند، یک نگرانی واقعی است.

به این واقعیات جنگ طلبی و میلیتاریسم ذاتی ابر قدرت آمریکا را اضافه کنید، نیرویی که پرونده قظوری در نابودی و کشتار در گوشه و کنار جهان در تاریخ خود دارد. به این واقعیات تلاش برای تحکیم موقعیت ابر قدرتی و زورگویی و قدری ابر قدرت آمریکا را اضافه کنید، جنگ و کشتار یک نگرانی واقعی بشریت متملن است.

جهان را باید از شر این آدمکشان حاکم خلاص کرد!



## در باره استراتژی جدید آمریکا در افغانستان

سیامک بهاری

ظرفیت‌های فوق ارتجاعی و ضد بشری طالبان در مرعوب کردن جامعه و بویژه در جدال جناح‌های اسلام‌اسیاسی و به طریق اولی در منطقه است. این رویکرد در عمل چیزی بجز خنثی کردن و در نهایت خاتمه دادن به موانع پیش روی حضور آمریکا از طریق تضمین و شریک کردن طالبان در قدرت سیاسی در افغانستان نیست. این بخش جدایی‌ناپذیر استراتژی آمریکا و متحدین آن برای تغییر موازنه قدرت با بلوک روسیه و چین است.

طبق اطلاعاتی که آسوشیتدپرس منتشر کرده است، رهبری دستگامه‌های امنیتی افغانستان که تحت نظارت مستقیم آمریکا فعالیت می‌کند، برای پیشبرد پروژه صلح و متقاعد کردن طالبان در تقسیم قدرت، بسیار فعالانه عمل می‌کنند. بر طبق این گزارش "معصوم ستانکزی، رئیس عمومی امنیت ملی افغانستان، و حنیف اتمر مشاور امنیت ملی تقریباً روزانه با رئیس دفتر طالبان در قطر، ارتباط تلفنی دارند".

استراتژی جدید یا تقسیم قدرت منطقی‌های؟!

بلوک بندی چین- روسیه، عملاً پاکستان و به درجات زیادی جمهوری اسلامی ایران و قطر را با خود همسو کرده است، پاکستان بعد از ناامیدی از آمریکا در سیاست‌های منطقی‌های، رفته رفته به روسیه و چین نزدیک شد. این جهت‌گیری سبب اتحاد و ائتلاف دراز مدت این بلوک در قبال حضور آمریکا در افغانستان شده است. جنگ‌های نیابتی و تغییر و تحولات سیاسی و بلوک‌بندی‌های منطقی‌های از یک طرف و نبودن هیچ عزم و اراده‌ای از سوی حکومت افغانستان برای کنار زدن طالبان، مامشات عامدانه و هدفمند با این جریان تروریستی، عملاً سبب گردید که طالبان از یک نیروی شکست خورده و از قدرت خلع شده، به عنوان یک طرف مطرح در مناقشات بر سر کسب قدرت سیاسی در افغانستان مجدداً به صحنه سیاسی افغانستان برگردند.

طبق برآورد پنتاگون ۴۱ درصد

خاک افغانستان عملاً در کنترل و یا تحت نفوذ نیروهای طالبان است. در مناطق حفاظت شده امنیتی توسط دولت، عملیات تروریستی و جنگی طالبان، تعادل نظامی و امنیتی حکومت را بارها و بارها بهم زده است. کابل، هرات و شهرهای مهم دیگر، مداوماً صحنه انفجار و انتحار و عملیات تروریستی است.

در مقابل اعلام استراتژی جدید آمریکا، "ملا هبت‌الله آخوندزاده" رهبر طالبان بر پیامی با تأکید بر تشدید و ادامه "جهاد" علیه نیروهای آمریکایی، استراتژی جدید ترامپ را سیاستی برای ادامه جنگ و تصمیم جدی طالبان بر ادامه نبرد را شرعی و قانونی خواند. "عبدالسلام ضعیف" سفیر سابق حکومت طالبان در پاکستان، در واکنش به اعلام استراتژی جدید آمریکا و اعزام نیروهای بیشتر، تهدید کرد که "فشار آوردن بر پاکستان جنگ در افغانستان را تشدید می‌کند".

به همین سبب در استراتژی آمریکا در افغانستان، عملاً و به وضوح پاکستان تحت فشار بیشتری قرار گرفته است تا از تقویت طالبان دست بردارد و خود را با منافع آمریکا منطبق کند. تعیین تکلیف با پاکستان و دور کردن آن از بلوک روسیه و چین بخشی مهم از روند تقویت حضور نظامی آمریکا در افغانستان و فشار بر طالبان برای قبول مذاکره و پایان جنگ از طریق شریک شدن در قدرت سیاسی در افغانستان است. همانگونه که گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی وی را بعنوان بخشی از بدنه قدرت حکومتی در کابل مستقر کردند. این روندی است که آمریکا برای تأمین امنیت خود در منطقه پیش گرفته است.

والستریٹ ژورنال به نقل از آسوشیتدپرس، اخیراً سندی را منتشر کرد که دامنه روابط پنهان و در عین حال شروط طالبان برای بازگشت به قدرت را برملا می‌کند. بر اساس این سند، "طالبان خواهان اصلاحات ویژه در قانون اساسی افغانستان است. از جمله؛ براساس شریعت اسلامی در کشور عمل

شود. تعلیم برای دختران و پسران در تمام سطوح تفکیک جنسیتی شود. زنان در مقام قضاوت نباید حضور داشته باشند. زن نباید رئیس جمهور افغانستان شود. ایجاد یک محکمه ویژه برای بازنگری بر املاکی است که بعد از سقوط طالبان توسط نیروهای جهادی غصب شده و این املاک باید دوباره به مالکین اصلی آن، مسترد شود. انتخابات بعد از تشکیل یک حکومت انتقالی که به حکومت‌های پیشین افغانستان ارتباطی نداشته باشد، انجام شود. حکومت و طالبان مناطقی را که در حال حاضر تحت کنترل دارند تا زمان انتخابات، حفظ کنند". این بخشی از محتوای پنهان همان پروژه صلحی است که آمریکا مهندس و یکی از ناظرین اصلی آن است. تشابه شروط طالبان به شروطی که گلبدین حکمتیار را به بخشی از قدرت سیاسی در افغانستان بازگرداند بسیار قابل توجه است.

حکومت افغانستان و استراتژی آمریکا بدیهی است که تأمین حضور و تقویت رو به گسترش نیروی نظامی آمریکا صرفاً نمی‌تواند در محدوده به اصطلاح اهداف نظامی باقی بماند. این سیاست عملاً باید بر دستگاه حکومتی تکیه کند که خود را با منافع استراتژیک آمریکا و متحدین آن هماهنگ و منطبق کرده باشد و در کشمکش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با منافع استراتژیک آمریکا همسو و گوش فرمان باشد.

کل دستگاه و ماشین دولتی باید منطبق بر این سیاست باشد که منافع آمریکا به خطر نیفتد. حضور سیاسی تنظیمات جهادی بدون چون و چرا باید در این مسیر کانالیزه شود. هر درجه اختلاف و رقابت در دستگاه حکومتی نباید مانع تأمین امنیت نیروهای نظامی آمریکا گردد. درجه وفاداری و سر به راه بودن احزاب جهادی و اقمارشان به این استراتژی عملاً امکان بقای آنها در صحنه سیاسی افغانستان را ممکن می‌کند. در عین حال تأمین امکانات و نیازهای متداول محلی

نیروهای نظامی آمریکا خود به یک رانت بزرگ اقتصادی برای مافیای قدرت بدل خواهد شد.

دایره جنگ نیابتی در منطقه عملاً دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. صف متحدین آمریکا نیز تغییر کرده است. ائتلاف متحدین آمریکا در مقابل بلوک بندی روسیه و چین می‌رود که به تحولات دیگری در کل منطقه خاورمیانه منجر گردد. اکنون دامنه و شعاع جنگ نیابتی شامل پاکستان بعنوان مهندس و سازمانده طالبان نیز می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با سیاست ضد آمریکایی بیشتر از پیش به پایگاهی برای تقویت طالبان در مقابل داعش تبدیل می‌گردد.

پیش از اعلام علنی استراتژی جدید آمریکا در افغانستان، دسته بندی‌های مافیایی رقبای حکومتی برای تقسیم قدرت شدت بی سابقه‌ای بخود گرفت. جنگ سالاران احزاب جهادی با اعلام جبهه‌های مختلف عملاً صحنه‌بندی‌های جدیدی ایجاد کردند. تلاش برای شریک ماندن در قدرت حکومتی، اینک بستگی به تنظیم رابطه پنهان و آشکار با هژمونی آمریکا دارد.

اینک طالبان به بهانه حضور نظامی آمریکا جنایات خود را گسترش می‌دهد و آمریکا و متحدین آن به بهانه وجود طالبان بر شدت ناامنی منطقه خواهند افزود. شعله کشیدن دامنه جنگ، عملاً به رشد نفرت پراکنی قومی، خراب تر شدن وضعیت اقتصادی و آوارگی بیشتر خواهد افزود. این مانند جهنم بی انتهای است که جنگ سالاران، آتش بیاران بی وقفه آن خواهند بود!

حقیقت این است که اگر حکومت و دستگاه دولتی در افغانستان نه حاصل بند و بست‌های سیاسی، که حاصل انتخاب و اراده سیاسی مردم بود، نه طالبان می‌توانست به حیات خود ادامه دهد و نه امنیت مردم به معنای وسیع اجتماعی آن چنین توسط مافیای فوق فاسد دولتی به خطر می‌افتاد. این وضعیت جهنمی که مردم افغانستان را چنین به پرتگاه سقوط رسانده است، فقط با نیروی اعتراضی مردم برای خلع ید کامل از حاکمیت فاسد کنونی ممکن است.

حضور نظامی ۱۶ ساله آمریکا با ۲۴۰۰ کشته و صرف هزینه نجومی هفتصد میلیارد دلاری، در افغانستان نه یک رویکرد صرفاً داخلی و برای ممانعت از دست درازی طالبان، که یک استراتژی درازمدت فرا منطقه‌ای در جنوب آسیا است. اعلام استراتژی جدید آمریکا به دنبال تغییر و تحولات سیاسی و نظامی در منطقه و صف بندی‌ها و رقابت‌های بین‌المللی امری قابل انتظار بود. روند خروج نیروهای آمریکایی که از سال ۲۰۱۱ شروع شده بود نه تنها متوقف می‌گردد، بلکه نیروها و ساز و کار بیشتری به افغانستان گسیل خواهد گردید.

بنیاد حضور نظامی آمریکا، در فردای سقوط طالبان از سال ۲۰۰۱ در "کنفرانس بن" با بر سر کار آوردن حکومتی که منافع آمریکا و متحدین آن را تأمین کند، گذاشته شد. علیرغم هر نشیب و فرازی، از اولین حکومت موقت به ریاست حامد کرزی، تا کنون، یک رکن و پایه اساسی سیاست حکومتی در افغانستان، تعامل بی چون و چرا با آمریکا و متحدین غربی و منطقی‌های آن بوده است. چنانچه اولین اقدام حکومت به اصطلاح وحدت ملی، درست چند ساعت پس از جابجایی قدرت در ارگ ریاست جمهوری، امضای پیمان‌نامه امنیتی با آمریکا و تأمین هژمونی و حضور نظامی آن بوده است.

حضور نظامی آمریکا در عین حال یک بهانه و توجیه و عامل مهمی در عملیات تروریستی - نظامی و سربازگیری همیشگی طالبان و تشدید عملیات نظامی علیه آنچه "قوای اشغالگر خارجی" نامیده می‌شود بوده است. آنچه پروژه صلح در افغانستان خوانده می‌شود، خود بخشی از استراتژی دیرپای آمریکا برای حضور کم‌هزینه‌تر در افغانستان، استفاده از

# کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



متحد کردن صف اعتراضاتشان از جمله نقطه تاکیدات دیگری است که به این مبارزات میتواند قدرت بخشد.

اعتراض کارگران و شعار الله اکبر

کارخانه آذر آب یکی از مراکز پر جنب و جوش اعتراضات کارگری است. این کارگران اکنون ۶ ماه است مزد نگرفته اند و بدلیل عدم پرداخت حق بیمه شان توسط کارفرما به تامین اجتماعی با مشکل تمدید دفترچه های درمانی خود روبرویند. اکنون مدتی است که در تجمع و اعتراض بسر میبرند و از جمله امسال چندین بار در اواخر اردیبهشت ماه، ۱۷ خرداد ماه، ۲۵ و ۳۱ تیرماه و ۱۵ مرداد با تجمع و راهپیمایی به پرداخت نشدن مطالبات و حق و حقوقشان اعتراض کردند. آخرین مورد آن روز هشت مرداد ماه بود. یکی از شعارهای کارگران آذر آب اراک در حرکت اعتراضی این روزشان، شعار الله اکبر بود. طرح این شعار از سوی کارگران جای مکت دارد و لازمست

بحثی روی آن داشته باشیم. سال ۵۷ مردم برای رهایی از شر خفقان ۵۰ سال حکومت شاهنشاهی، در اعتراض به تبعیض و نابرابری و برای داشتن یک زندگی بهتر با شعارهای مرگ بر شاه، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، به خیابان آمدند. اما در آن هنگام ارتجاع اسلامی با فریب و حدت کلمه شعار الله اکبر را به خیابان آورد و با این شعار جمهوری اسلامی را بر مردم غالب کردند. با این شعار به جامعه حمله کردند و روزنامه ها را بستند و تشکلهایمان را مورد حمله قرار دادند. با این شعار به زنان حمله کردند و بر روی صورت زنانی که حجاب بر سر نکرده اند، تیغ کشیدند و اسید پاشیدند. با این شعار حجاب را اجباری کردند. با این شعار قمه کش ها و اوباش حزب الله را برای سرکوب مبارزات مردم به خیابان ها ریختند. با این شعار اعدام و جنایت کردند. و خلاصه اینکه با این شعار انقلابمان را به شکست

۸ شهریور مارش اعتراضی کارگران دو کارخانه هپکو و آذر آب در اراک

صبح روز چهارشنبه ۸ شهریور کارگران دو کارخانه هپکو و آذر آب اراک در اقدامی جداگانه به صورت همزمان در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت مطالبات مزدی معوق خود و وضعیت بلا تکلیف کارخانه در مقابل ساختمان استانداری و میدان شهدای اراک تجمع کردند.

کارگران کارخانه آذر آب اراک نزدیک به ۶ ماه مزد طلب دارند. و کارگران کارخانه هپکو نیز از دی ماه سال ۹۵ مطالبات مزدی خود را به صورت کامل دریافت نکردند. آنها همچنین بدلیل عدم پرداخت حق بیمه شان با مشکل تمدید دفترچه های خود روبرویند. در رابطه با این معضلات کارگران قبلا نیز تجمعات مشابهی برپا کرده و پیگیری خواستههایشان شده بودند.

روز ۸ شهریور کارگران این دو کارخانه در حالیکه برنهای بی با آرم کارخانه شان در دست داشتند، در صفی با شکوه در وسط شهر مارش رفتند و شعار دادند. در این روز کارگران هپکو خیابان ملک را بستند و با شعار مشکل ما حل نشه، اراک قیامت میشه، بار دیگر با مقامات مسئول اتمام حجت کرده و حق و حقوقشان را طلب کردند. فریاد خشمگین کارگران هپکو در وسط شهر اراک در این روز یادآور اعتراضات با شکوه آنها در سال گذشته بود. اعتراضاتی که بطور واقعی نقطه عطفی در مبارزات کارگری در سال ۹۵ بود.

یکسال قبل کارگران هپکو در وسط شهر اراک راهپیمایی کردند و با شعار زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، سرود آزادی سر دادند و این شعار به سرود همبستگی در اعتراضات کارگری در سال ۹۵ از جمله به شعار هزاران بازنشسته در تجمع اعتراضی آنها در ۲۲ اسفند سال ۹۵ تبدیل شد. در حرکت

بپیوندند. بدین ترتیب بازنشستگان بازم به تدارک اعتراضی گسترده و سراسری میروند. وسیعا اطلاع رسانی کنیم. اولین تجمع سراسری بازنشستگان در سال جاری در ۳۱ مرداد برپا شد که به نوعی یک نقطه عطف بود. در این حرکت اعتراضی بار دیگر اتحاد بازنشستگان و شاغلین، اتحاد معلم، کارگر، پرستار را شاهد بودیم. مضمون این اتحاد و همبستگی اعتراض به کل توحش سرمایه داری حاکم، از جمله اعتراض علیه فقر، تبعیض، نابرابری، اختلاسها و سرکوبها با خواست معیشت، منزلت و داشتن یک زندگی انسانی بود. از جمله در این روز شعارهای حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، اگر که من نبودم، تو اون بالا نبود، معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست، دولت، مجلس، خجالت، خجالت، خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، حقوق ما ریالیه، هزینه ها دلاریه، معلم زندانی آزاد باید گردد، جای عبیدی زندان نیست، جای محسن عمرانی زندان نیست، سفره ما خالیه، پز شما عالییه، کارگر شاغل بازنشسته اتحاد اتحاد، حقوق نابرابر، تحمیل فقر بیشتر، یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، ظلم ستم کافیه، سفره ما خالیه، این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی، ما بازنشستگانیم، از جان رستگانیم در مقابل مجلس و خیابانهای اطرافش سر داده شد. شعارهای تجمع ۳۱ مرداد بازنشستگان در مقابل مجلس اسلامی، خواستههای آنها را به روشنی بیان میکنند. خواستههای بازنشستگان خواهشهای همه مردم است. از مبارزات و خواستههای بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

کشاندند. امروز هم نیروهای حافظ نظام و دارو دسته های شورای اسلامی چی، هر جا که می بینند کنترل اوضاع از دستشان خارج میشود، میکوشند تا این شعار را به میدان آورند. می کوشند با سردادن این شعار و آوردن عکس خامنه ای و سران جنایتکار حکومت، رنگ مذهبی و حکومتی به اعتراضات کارگران و مردم معترض بزنند. بعضا با فریب اینک گویا با این شعار اعتراض آنان حاشیه امنیتی بیشتری خواهد داشت، آنرا به جلو میبرند. اما اینهم فریبی بیش نیست. امنیت ما در حرکت متحد ما، در شرکت فعال خانواده ها و جلب همبستگی مردم و اعتراض هر چه قدرتمند تر ماست. نباید اجازه بدهیم که با چنین فریب کاری هایی و با این شعار صف اعتراضمان را متفرق کنند. سردادن شعار الله اکبر خریدن عمر برای جمهوری اسلامی است. شعار الله اکبر، شعار ما مردم برای داشتن یک زندگی انسانی نیست. شعار ما برابری است و خواست قلبی تک تک ما جا رو شدن کل بساط سرمایه داری وحشی حاکم، از بین بردن استثمار و تبعیض و برپایی جامعه ای انسانی است.

بازنشستگان همچنان پیگیری خواستههایشان هستند بازنشستگان استان تهران، البرز، قزوین، قم و شهرهای اقماری برای پیگیری خواستههایشان به تجمع برای ساعت ده صبح روز ۱۴ شهریور در مقابل سازمان برنامه و بودجه فراخوان داده اند. وسیعا اطلاع رسانی کنیم. در این فراخوان گفته شده است که این فراخوان استانی است و بازنشستگان در دیگر استانها میتوانند به فراخور موقعیت خود در مقابل استاندارها و صنوق بازنشستگی تجمع نمایند و در صورت تمایل به اعتراضی در تهران

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد کشتارهای دهه شصت. این بیانیه در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۹۵، ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۶ منتشر شده است.

## پلاتفرم جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت

کشتارهای دهه شصت و بویژه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ یک فاجعه اجتماعی و زخم عمیقی بر پیکر جامعه ایران است. زخمی که بدون روشن شدن ابعاد این فاجعه، روشن شدن تعداد و اسامی و محل خاکسپاری قربانیان آن و بویژه بمحاکمه کشیدن آمرین و عاملین آن التیام نخواهد یافت.

کشتارهای دهه شصت تنها مورد جنایت حکومت نیست. سرکوب کارگران و دانشجویان و زنان آزادیخواه در اولین سالهای بقرت رسیدن جمهوری اسلامی، قتل‌های زنجیره ای در دهه هفتاد، ترور رهبران و چهره های سیاسی اپوزیسیون در خارج کشور، کشتار جوانان در خیابانها و در سایهچالها و شکنجه گاهانی نظیر کهریزک در سال ۸۸، و سرکوب و دستگیری و اعدام مستمر آزادیخواهان و فعالین جنبش کارگری و جنبش زنان و جوانان که تا امروز ادامه دارد همه فرازهایی از کارنامه قتل و سیاه جنایت و توحش جمهوری اسلامی است.

اما کشتار دهه شصت از نظر ابعاد و دامنه جنایت، عمق قساوت و توحش، و جنون کشتار و افسارگسیختگی دهشتناکی که در آن نهفته است در تاریخ معاصر جهان کم نظیر است. تنها قتل عام ۶۷ کافی است تا جمهوری اسلامی را در کنار هالوکاست و نظام فاشیستی هیتلر و رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی و حکومت پینوشه در شیلی قرار دهد. دادخواهی از کشتارهای دهه شصت دادخواهی از همه جنایات و اعدامها و قتلها و شکنجه ها و کل توحشی است که فاشیسم اسلامی حاکم علیه مردم ایران مرتکب شده است.

کشتارهای دهه شصت یک اقدام سیاسی بود که با هدف ارعاب و عقب راندن مردم و جامعه معترض و برای حفظ حکومتی که بقای خود را در خطر میدید صورت گرفت.

قتل عام دهه شصت و کلیه اعدامها و ترورها و کلیه جنایاتی که جمهوری اسلامی مرتکب شده و تا همین امروز علیه مردم مرتکب میشود برای حفظ سلطه جهنمی جمهوری اسلامی است. اما علیرغم همه کشتارها و سرکوبگری ها، اعتراضات اجتماعی و مبارزات کارگران و زنان و جوانان مدام گسترش یافته و امروز حکومت اسلامی بیش از پیش تحت فشار نارضائیهها و اعتراضات مردم قرار گرفته است. اکثریت عظیم مردم ایران- همانطور که بارها در اعتراضات توده ای و قیامهای شهری از جمله در خیزش میلیونی ۸۸ اعلام کرده اند - این حکومت را نمیخواهند و خواهان سرنگونی آن هستند. گسترش جنبشهای اعتراضی در عرصه های مختلف بیانگر گرایش توده ای و تلاش عمومی مردم برای خلاصی از سر جمهوری اسلامی است.

دادخواهی از کشتارهای دهه شصت و کلیه اعدامها و جنایات رژیم خود یکی از جنبشهای اعتراضی رو به گسترش و بخشی از جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. خانواده ها و بازماندگان قربانیان دهه شصت، وابستگان کلیه افرادی که بدست جلادان حاکم اعدام و شکنجه شده یا بزندان افتاده و زندگیشان تباہ شده است، همه زندانیان سیاسی، فعالین جنبش علیه اعدام، فعالین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، و همه مردم آزاده ایران خواهان روشن شدن پرونده جنایات حکومت و محاکمه کلیه آمرین و عاملین این جنایات هستند. این جنبش هر روز گسترده تر میشود و تحت فشار این جنبش است که کشمکش میان دادرسته های حکومتی بالا گرفته و ناگزیر به افشای گوشه ای از جنایات خود شده اند. اما حتی تلاش جناحهایی از حکومت و نیروهای اسلامی رانده شده از حکومت که با ابراز مخالفت با

بخشی از جنایات حکومت متبوعشان از بخشش و سازش ملی دم میزنند تلاشی برای حفظ و نجات نظام اسلامی است. مردم ایران نه می بخشند و نه فراموش میکنند. همه مقامات و مسئولین کنونی و سابق و اسبق جمهوری اسلامی در جنایات حکومت سهیم و دخیل بوده اند و باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

ابعاد و پیامدهای فاجعه دهه شصت از ایران فراتر میرود. کشتار دهه شصت در ایران از اولین نمونه های جنایت و توحشی است که امروز از جانب نیروهای نظیر بوکوحرام و داعش و النصره و غیره شاهد هستیم. جمهوری اسلامی پیش کسوت جنبش اسلام سیاسی، و نسل کشی دهه شصت پیشقراول جنایاتی است که امروزه نیروهای رنگانگ جنبش اسلامی علیه بشریت مرتکب میشوند.

با توجه به واقعیات فوق جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت اعلام میکند: کشتارهای دهه شصت یک فاجعه اجتماعی و یک جنایت دهشتناک علیه بشریت است. و باید به همین عنوان در سطح جهانی، در افکار عمومی جهانیان و در نزد دولتها و نهادهای بین المللی برسمیت شناخته شده و محکوم شود.

مسئول و عامل این جنایت کل نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و دارو دسته هایش و مقامات قبلی و کنونی حکومت است. نه تنها سران حکومت نظیر خامنه ای و روحانی و رفسنجانی، بلکه بسیاری از مسئولین و عاملین مستقیم این جنایت هنوز جزء مقامات دولتی و مصدر کار هستند.

همه اطلاعات در مورد کشتارهای دهه شصت باید علنی بشود و در اختیار جامعه قرار بگیرد. تعداد قربانیان، اسامی آنان،

تاریخ و چگونگی بقتل رسیدن و محل خاکسپاریشان باید اعلام بشود.

باید در سطح بین المللی هیات های ذیصلاح برای تحقیق و روشن کردن جزئیات مربوط به کشتارهای دهه شصت تشکیل بشود. همه آمرین و عاملین مستقیم و غیر مستقیم این جنایت باید شناسائی و معرفی و بازداشت شوند و به محاکمه کشیده شوند.

در سال ۲۰۱۲ جمهوری اسلامی در دادگاه بین المللی ایران تریبونال، که با شرکت حقوقدانان بین المللی و تعدادی از خانواده های قربانیان کشتار دهه شصت و زندانیان سیاسی در آن دوره تشکیل شد، به نسل کشی و جنایت علیه بشریت محکوم گردید. اکنون بر زمینه اعترافات اخیر مقامات حکومت میتوان و باید توجه جهانیان را مجدداً به دادگاه ایران تریبونال و نتایج و تصمیمات آن جلب کرد و دولتها و نهادهای بین المللی را به پذیرش احکام دادگاه و پیگرد مقامات جمهوری اسلامی واداشت.

جمهوری اسلامی باید بخاطر کشتارهای دهه شصت و کل پرونده قتلش در جنایت علیه بشریت از جانب دولتها و نهادهای بین المللی محکوم شود و از نظر سیاسی تحریم گردد. روابط سیاسی و دیپلماتیک دولتها و نهادهای بین المللی باید با

جمهوری اسلامی قطع شود و سران آن مورد پیگرد قرار بگیرند. دولتها و نهادهای بین المللی باید در برخورد به جمهوری اسلامی همان سیاستهایی را در پیش بگیرند که در قبال حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی در سالهای آخر آن حکومت اعمال میکردند.

فاجعه و زخم عمیق کشتارهای دهه شصت نهایتاً با برچیدن نظام جمهوری اسلامی و محاکمه همه مقامات و مسئولین آن التیام خواهد یافت. جنبش دادخواهی مردم ایران از قتل عام دهه شصت جنبش معینی با هدف بمحاکمه کشیدن مقامات جمهوری اسلامی و جزئی از جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران است. حزب کمونیست کارگری خود را یک نیروی فعال این جنبش میداند، پیگیرانه برای تحقق اهداف آن مبارزه میکند، و از همه خانواده ها و بازماندگان قربانیان جمهوری اسلامی، فعالین جنبش علیه اعدام و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و همه مردم آزاده ایران میخواهد به جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت بپیوندند.

حزب همه مردم آزاده جهان و نیروهای مترقی را به حمایت از جنبش دادخواهی مردم ایران، کمک به تحقق اهداف مشخص این جنبش و حمایت همه جانبه از مبارزات مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی فرا میخواند.

### انترناسیونال

نشریه حزب  
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## در باره کشته و زخمی شدن چهار نفر از اهالی یک روستا در نوار مرزی ایران و عراق توسط نیروهای سازمان زحمتکشان (شاخه مهدی)

حسن صالحی



کشته شدن دو نفر و زخمی شدن دو تن دیگر از اهالی روستای "گونده ژور" واقع در نوار مرزی ایران و عراق توسط نیروهای مسلح سازمان زحمتکشان (شاخه مهدی) بحث های زیادی را دامن زده است. دو نفری که کشته شده اند از اعضای اتحادیه میهنی کردستان عراق بوده اند و ظاهراً نزاعی که به مرگ این دو نفر منجر شده است به این بر می گردد که پیشمرگان سازمان زحمتکشان به باغات مردم خسارات وارد آورده اند. بدنبال این واقعه مقر چهار جریان مسلح متعلق به دو شاخه از حزب دمکرات ایران و دو شاخه از کومله زحمتکشان (مهدی و ایلخانی زاده) به آتش کشیده می شود و پیشمرگان مجبور به ترک منطقه شده اند. نیروهای نامبرده با استقرار در این روستای مرزی از آن بعنوان پایگاهی برای حضور و یا عملیات نظامی در کردستان ایران استفاده می کردند.

واضح است که اتحادیه میهنی کردستان عراق (یکتی) که رابطه حسنه ای با جمهوری اسلامی دارد و همچنین رژیم اسلامی ایران از استقرار نیروهای اپوزیسیون کرد در نوار مرزی و حضور نظامی این نیروها در کردستان ایران خشنود نبوده و نیستند. بنابراین به دنبال این بوده اند که از هر فرصتی برای تحت فشار گذاشتن و منع فعالیت نظامی آنها در ایران استفاده کنند. جمهوری اسلامی به همین دلیل بارها روستاهای مرزی را مورد هدف توپخانه خود قرار داده و ضرر و زیان زیادی به اهالی این روستاها وارد کرده است.

در یک سطح بینادی تر احزاب ناسیونالیست کرد ایرانی و اتحادیه میهنی کردستان عراق به دو قطب متفاوت تعلق دارند. یکی با روی کار آمدن ترامپ و حمایت عربستان

## اعتراضات سراسری کارگران گسترش می یابد

و همراهی خانواده های آنها، بلکه همچنین گام برداشتن برای ایجاد تشکل های سراسری کارگری است که یک پیشروی بزرگ و تاریخی محسوب میشود.

جمهوری اسلامی راه حلی برای تخفیف مشکلات کارگران ندارد و تلاش میکند بحران عمیق خود را با هجوم بیشتر به زندگی کارگران تخفیف بدهد. این تنها دورنمایی است که حکومت در مقابل کارگران قرار داده است. بعلاوه گسترش تجمعات کارگری که طبق آمار حکومتی در سال جاری به سه و نیم برابر سال قبل رسیده است و گسترش اعتصابات کارگری در سراسر کشور شرایط را به نفع مبارزات متحدتر و گسترده تر کارگران و متشکل شدن آنان فراهم کرده است. حزب کمونیست کارگری، کارگران در سراسر کشور را به تلاش هرچه وسیعتر برای متشکل شدن فرامیخواند. بهر درجه تشکل های خود را ایجاد کنیم، میتوانیم متحدتر و قدرتمندتر دست به اعتصابات بزرگ و سراسری بزنیم و هجوم مفتخوران حاکم را عقب برانیم. حزب فعالین کارگری را به تماس فعالتر برای همفکری و تبادل نظر برای ایجاد تشکل های کارگری فرامیخواند.

زنده باد اعتصابات و تجمعات سراسری کارگران  
پیش بسوی ایجاد تشکل های توده های کارگران در سراسر کشور

حزب کمونیست کارگری ایران  
۸ شهریور ۱۳۹۷، ۳۰ اوت ۲۰۱۷

مستمری بازنشستگان قدیمی تر از جمله خواست های بازنشستگان صنعت فولاد است. بازنشستگان روز ششم شهریور نیز در مقابل ساختمان مجلس و سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع اعتراضی زدند.

هفته قبل نیز بازنشستگان آموزش و پرورش، تامین اجتماعی، کشوری و لشگری دست به تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی زدند و در تیرماه کارگزاران مخابرات دست به اعتصاب سراسری زدند و در برخی شهرها همزمان تجمع کردند و قرار تجمع بعدی را گذاشتند. به این موارد لازم است تجمعات اعتراضات سراسری معلمان را نیز که به اشکال مختلف از تجمع تا جمع آوری طومار و غیره جریان دارد اضافه کرد.

اینها اعتراضاتی سراسری است که توسط بخش هایی از کارگران که در شهرهای مختلفی زندگی میکنند و خواست مشابهی دارند جریان دارد. این اعتراضات پیشروی قابل توجهی در جنبش کارگری است و زمینه را برای شکل دادن به تشکل سراسری هرکدام از این بخش ها فراهم میکند. نفس این اعتراضات که بشکل سراسری صورت میگیرد و اینکه صدها کارگر به نمایندگی از هزاران همکار خود دست به تجمع میزنند نشان میدهد که کارگران شبکه های وسیعی در سطح کشور ایجاد کرده اند و همراه با حضور فعال در گروه های مدیای اجتماعی بدرجاتی بر پراکندگی خود غلبه کرده اند. گام بعدی نه تنها گسترش این اعتراضات و تجمع همزمان هزاران کارگر از نقاط مختلف کشور

در روزهای گذشته ۳۰۰ نفر از کارگران فشار قوی برق به نمایندگی از طرف ۸۰۰۰ همکار خود، بازنشستگان فولاد از شهرهای مختلف و کارگران مخابرات روستایی دست به تجمع زده و خواهان پرداخت حقوق معوقه و یا تغییر وضعیت استخدامی شده اند.

روز پنجم شهریور ۳۰۰ کارگر فشار قوی برق به نمایندگی از طرف ۸۰۰۰ اپراتور فشار قوی برق از شهرهای مختلف به تهران آمده و در مقابل وزارت نیرو در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران فشار قوی برق خواهان تبدیل وضعیت خود به قرارداد مستقیم با وزارت نیرو هستند و بارها برای تحقق خواست خود دست به تجمعات سراسری زده اند.

۲۵۰ نفر از کارگران بازنشسته فولاد نیز روز پنجم شهریور از شهرهای کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طبس، سمنان، شاهرود و سنقر راهی تهران شدند و به نمایندگی از طرف ۸۵۰۰۰ بازنشسته فولاد در مقابل دفتر روحانی تجمع کردند. بازنشستگان اعلام کردند تا مشکلات آنها حل نشود به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد. بازنشستگان فولاد بابت حقوق مردادماه و اجرای احکامی که از سال ۹۱ و در ارتباط با حق سرپرستی و حق سختی کار آنها معلق مانده است، طلبکارند. لغو خودگردانی صندوق فولاد، مکلف کردن دولت به اجرای تعهدات و پرداخت مطالبات قانونی بازنشستگان فولاد و نیز پرداخت به موقع حقوق و هزینه های درمانی بازنشستگان فولاد و همسان سازی

اهالی روستا "گونده ژور" می سوزد و نه سازمان زحمتکشان دلش برای پیشمرگانی که در واقع برای نیت دیگری اسلحه بر دوش گرفته اند. این پیشمرگان به قربانیان یک نزاع ارتجاعی تبدیل شده اند. اگر چه برگزاری یک دادگاه و محکمه عادلانه در اقلیم کردستان عراق زیادی لوکس به نظر می آید ولی باید با این خواست نیروهای حاکم در این

اقلیم را تحت فشار گذاشت و از اعدام پیشمرگان دستگیر شده

**تراکت های حزب  
کمونیست کارگری ایران  
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید**

**به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید**



## خبر و نظر

### فقر و ثروت دوروی سکه جمهوری اسلامی

بنری که فروش کلیه توسط کارکنان مجتمع مس چهارگنبد را اعلام می کند. طنز تلخی است که در يك جمله واقعیت زندگی کارگران و اکثریت مردم ایران را نشان می دهد. فقر و فلاکتی که انسانها را وادار به فروش اعضای بدن خود می کند تا بتوانند خود و خانواده شان را زنده نگه دارند. و گزارشی در روزنامه ایران درباره رستورانهای «شیک» شمال تهران با ورودی نزدیک به نیم میلیون تومان و فهرست غذای بلون

ثروت های نجومی که با ابزار سرکوب و شکنجه و اعدام و زندان جمع آوری شده است. بر روی این سکه نقش دیگری هم می توان دید: نفرت و خشم و مردمی که منتظر فرصت هستند تا بساط غارتگری و استثمار حکومت اسلامی را برچینند. این مضمون چیزی است که روی بنر کارکنان مجتمع مس چهارگنبد نوشته شده است.

بهر روز مهرآبادی

### افتتاح تازه بی بی سی در توجیه بخشنامه فاشیستی

میگوید معلمی که به چنین بیماری هایی مبتلا باشد روی دست دولت هزینه میگذارد. این بخشنامه حتی سر و صدای برخی مقامات حکومت را هم درآورد اما کک این بابا و بی بی سی را نگزید.

از دست انترکاران بی بی سی باید پرسید که آیا بخشنامه مشابهی موقع استخدام مقابل شما یا مقابل همکارانتان در صدا و سیمای جمهوری اسلامی هم گذاشته شده است؟ اگر موقع استخدام در بی بی سی سوالاتی از ناباروری و عمل رحم یا کوتاهی پا و مشکل لگن خاصره یا وضع دندان های شما مقابلتان گذاشته میشد چه عکس العملی نشان میدادید؟ موقعی که جمهوری اسلامی رسماً در جرایم بخشی از مردم را به دلیل نارسایی اعضای از بدن کزیه المنظر خطاب میکند، حال هر انسان شریفی بهم میخورد و نفرت از این بخشنامه و چنین حکومتی سراپای وجودش را میگیرد، ولی شما گردانندگان بی بی سی گشته اید یکی را آورده اید که این سیاست ها را توجیه کند. اینکه توجیه سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی از سر نادانی شما است و واقعا نمیفهمید این بخشنامه بند به بندش فاشیستی است، یا دفاع غریزی شما از حکومت اسلامی است و یا مرزی با سیاست های فاشیستی ندارید را بهتر است

بخشنامه ۵۰ صفحه ای تمامی فاشیستی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در مورد استخدام معلم فقط يك روز روی سایت ها دوام آورد و حکومت در مقابل سیل اعتراض و تمسخر مردم در مدیای اجتماعی مفتضحانه آنرا جمع کرد، ۴۵ صفحه اش را حذف کرد و ۵ صفحه از آنرا که همچنان تمام عیار فاشیستی است منتشر کرد. اما بی بی سی فارسی داغتر از آتش با انتشار مقاله ای از شیرزاد عبداللهی که او را بعنوان کارشناس مسائل آموزش و پرورش معرفی کرده است، به توجیه این بخشنامه پرداخت.

بخشنامه ای که زنان را بعلت اختلالات زنانگی یا بلوغ زودرس و دیررس و سابقه جراحی رحم و ناباروری از شغل معلمی ممنوع میکند، بخشنامه ای که چندین بار به کزیه المنظر! بودن صورت یا گردن بعنوان مانع استخدام اشاره میکند و یا به کوتاهی قد یا انحراف ستون فقرات و غیره از نظر این همکار بی بی سی همگی قابل توضیح و قابل دفاع است. این کارشناس آموزش و پرورش! بارها بدلیل دفاع از حکومت و سیاست های ضد معلمی حکومت مورد اعتراض و انتقاد شدید معلمان قرار گرفته است. جالب است که در دفاع از این بخشنامه نیز در مواردی به برخی بیماری ها اشاره کرده و بیشرمانه

### قبل از انقلاب سینما آتش زد

اولین کشتار دسته جمعی توسط اوباشان اسلامی در ایران امروز در اختتامیه جشنواره شعر و سرود انقلاب در فرهنگسرای انقلاب اسلامی اظهار کرد: قبل از انقلاب اسلامی ماهیت سینما برای مردم روشن بود و خانواده های مذهبی با سینما و تلویزیون هیچ کاری نداشتند و ما به خوبی میدانستیم که سینما کانال ورود فرهنگ بیگانه به کشور ما است. . . . من جزء کسانی بودم که قبل از انقلاب سینما آتش زد و متأسفانه بعد از انقلاب برای همان سینماها موزه درست شد و هنوز هم از آنها حمایت میشود.

این جانی که همراه با دیگر جانیان اسلامی که بعدها سینماگر، سیاستمدار، فیلسوف و غیره و غیره شدند سینما آتش می زدند و کرور کرور آدمهایی که می خواستند لحناتی شاد باشند و فیلمی را تماشا کنند، برای ارزشهای پوسیده اسلامی در آتش سوزاندند و با خاکستر یکسان کردند. می خواستند که «ارزشهای غربی» را اینچنین از جامعه بزدایند و مردم را وادار کنند که فیلمهای اسلامی و شرق زده تماشا کنند و پای منبر آهنگران بنشینند و به اصطلاح موسیقی گوش بدهند، که از بخت بدشان هیچ وقت نگرفت.

در سالگرد کشتار دسته جمعی زندانیان در شهریور ۱۳۶۷، باید یاد و خاطره همه آنها را که به طرق مختلفی به دست اوباشان اسلامی کشته شده اند را گرامی داشت و بر علیه کل این اوباشان جنایتکار اعلام جرم کرد.

برگرفته از فیسبوك ناصر اصغری

برای نسل من و شاید هم چند سالی بزرگتر از نسل من، انقلاب ۱۳۵۷ یکی از شیرین ترین اتفاقات زندگی شان است. متأسفم که اکنون جهنمی را که جمهوری اسلامی برای مردم ایران به ارمغان آورده، در مقایسه با "گورستان آریامهری"، برای بسیاری مثل روزهای شیرین سپری شده می ماند.

یکی از اتفاقات تلخی که در حول و حوش این انقلاب رخ داد، به آتش کشیدن سینما رکس آبادان بود، که روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ و در حین نمایش فیلم گوزنها رخ داد و قریب به اتفاق حاضران در سینما، که گفته می شود بیش از ۷۳۰ نفر بودند، با جان باختند و یا بطور بسیار فجیعی دچار سوختگی شدید و غیرقابل ترمیم شدند، که زندگی شان برای همیشه تغییر کرد.

شاه و ساواک مورد نفرت کل آن جامعه بود. سانسوری کامل بر جامعه مستولی بود. هنر و هنرمند باید از ممیزی دم و دستگاه ساواک بگذرند. اما چه کسی سینما رکس را آتش زد و به آن جنایت هولناک دست زد؟ برای بسیاری هنوز زوایای اصلی این جنایت نامعلوم مانده است. شاه در این باره چیزهایی گفته، خمینی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی هم چیزهای دیگری. اما "بازیگر، چهره پرداز، نویسنده و کارگردان"

جمهوری اسلامی، فرج الله سلحشور که مدتی پیش گور بگور شد چیز مهمتری گفته است. خبرگزاری حکومتی فارس در گزارشی که مربوط به خبری از سلحشور بود، خبر داد: "فرج الله سلحشور صبح

بخشنامه آشکارا فاشیستی باز هم به توجیه آن دست میزدند و سایت میکروفون خود را مقابل چنین کارشناسانی قرار میدهند.

اصغر کریمی

در این میان يك چیز واقعا کزیه است اما قطعا این قیافه مردم بدلیل نارسایی اعضای از بدن آنها نیست، سیاست شما کاربدستان و سیاستگذاران بی بی سی است که اینقدر کزیه و نفرت انگیز است که حتی در عکس العمل به چنین

محترم شان شریک شدند که نه بخشنامه بلکه منتقدین آنرا زیر سوال برده است: "منتقدان دستورالعمل پزشکی و سلامت جسمی معلمان، در مورد تشخیص مصداق تبعیض در استخدام معلمان دچار اشتباه شده اند". واقعا شرم هم حنی دارد!

## خبر و نظر

### جذب جهانی اسلام

خامنه ای روز ۶ شهریور در صحبت با طلبه ها گفت:

یک امتیاز دیگر این دوران این است که در سطح جهان، یک احساس خلأ فکری و نیاز به یک فکر جدید موج میزند. اسلام و جمهوری اسلامی، هم در مسئله انسان، هم جامعه، هم سیاست حرفهای نو دارند. همین مسئله مردم سالاری اسلامی، نظر اسلام در مورد مسائل گوناگون؛ اینها چیزهایی است که جاذبه دارد و اگر به گوش نسلهای جوان دنیا برسد، مورد قبول قرار میگیرد."

۱- اولاً خود ایران آزمایشگاه خوبی برای این جاذبه اسلامی بوده است. معنی زمینی حرفهای خامنه ای و احکام و آیات اسلامی را مردم به تمام معنی فهمیده اند و کرور کرور از اسلام و حکومتش رویگردان شده و تک تک آیت الله ها دارند به این ادعا میکنند.

۲- در سطح بین المللی هم امروز به یمن فتوای قتل سلمان رشدی، کشتن ندا آقا سلطان، حکم

سنگسار سکینه محمندی، اعدام همجنسگراها، شلاق زدن به کارگران و جوانان، ازدواج با دختر بچه های خردسال، چند زنی و صیغه و حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی و مردم فقیر و اختلاس بالایی ها و آیت الله های میلیاردر، جذابیت های حکومت اسلامی و خود اسلام برای افکار عمومی جهانی مخصوصاً نسل جوان روشن تر شده است. جذب و ورژن های دیگر اسلام نوع بوکو حرام و طالبان و داعش را هم در خیابان های لندن و پاریس و استکهلم و برلین در سالهای اخیر تجربه کرده اند. توضیح المسائل خمینی را هم ترجمه کردند و به مردم دنیا مخصوصاً نسل جوان برسانند، اسلام واقعا همه گیر میشود!

۳- اینقدر مارکسیسم و افکار سوسیالیستی منزوی شده که حکومت بیش از پیش متوجه است که باید جلو نشر هر تفکر مارکسیستی را بگیرد، ممنوعیت سازمان های کمونیستی را همچنان به قوت خود نگهدارد، و حتی جامعه

شناسی لیبرالی دانشگاهی را هم که مجرای برای دانشجوی کنجکاو بود تا از طریق آن با جهان نگر و جامعه شناسی مارکسیستی هم آشنا شود از مواد درسی حذف کرده اند.

۴- اما از اینها که بگذریم نصف خود حکومت هم حالی شده است که اگر بخواهد حکومت را نگهدارند باید مسیرش را عوض کند. نصف صحبت روز دوشنبه خامنه ای توپین به دولتی ها بود. آقا بهتر است فعلاً با دولتی هایش مشغول شود و الگوی اسلامی را بهتر و کاملتر در میان آنها پیاده کند. جهانیان پیشکش! شاید هم اینها برای رهبر حکومتی که در سراسیمگی سقوط است و طلبه هایی که هر روز بیش از روز قبل خبر کتک خوردن هم مسلکشانش در نقاط مختلف کشور را میشنوند و ته دلشان خالی میشود، بهرحال یک تسلی خاطر باشد.

اصغر کریمی

### در مرگ یک مهره منفور سیاسی

یزدی را که از آنها خوش خدمت تر بود مغضوب خود ساخت.

یکی در نقش رئیس جمهور و فرمانده کل قوا و ریاست شورای انقلاب، یکی در مسئولیت صدا و سیما حکومت و دیگری در موقعیت وزارت امور خارجه، طراح سپاه پاسداران و مبتکر روز قدس، نقش ابزاری خود را در شکل دادن به حکومت و در تحمیق و سرکوب مردم اجرا کردند و سپس کنار گذاشته شدند اما مردمی که در تمام

این ۳۹ سال یک روز طعم زندگی راحت را نچشیده اند امثال این سه نفر را که به وقت خودش مردم آنها را بر اساس حرف اول فامیلشان مثلث بیق مینامیدند، برای همیشه لعن و نفرین خواهند کرد.

از صفحه فیسبوکی اصغر

کریمی

را گرفتند تا رسانه ای مثل بی بی سی را به بلندگوی او تبدیل کنند و او را از آخوندی گنماتر از خود آنها بعنوان رهبر انقلاب به مردمی تشنه رفاه و حرمت و آزادی، مردمی که شصت سال در حکومت های پهلوی حتی طعم یک روز آزادی و یک روزنامه غیر درباری و یک حزب غیر فرمایشی را نچشیده بودند، بخوراند. نه کسی میشناختشان و نه اعتباری در هیچ قشری از جامعه داشتند، اینها قبل از قیام بهمین رابط

دول غربی بودند که تصمیم شان را برای حمایت از خمینی گرفته بودند، زمانی که جمهوری اسلامی قدرت گرفت ارکان اصلی حکومت را برای دوره ای در دست گرفتند و آنگاه که حکومت دیگر به آنها نیازی نداشت، یکی را به اتهام کودتا اعدام کرد، یکی دیگر را علیه اش کودتا کرد و از کشور فراری داد و سومی یعنی

ابراهیم یزدی که در ماههای قبل از قیام ۵۷ نقش قابل توجهی در بزرگ کردن خمینی داشت، درگذشت. او و ابوالحسن بنی صدر و صادق قطب زاده در دوره ای که جامعه ایران تحمل یک حکومت آخوندی و مذهبی نداشت، بعنوان سه غیر معمم فکول کراواتی، مانند یک تسمه نقاله، حکومت اسلامی را به مردم حقه کردند تا حکومت افراد واجد شرایط تری را به جای آنها آماده کند.

ابن الوقت هایی حاضر و آماده، چهره هایی بی نام و نشان، مشاورینی در نقش پادوهای حقیر، لجن هایی در نقش آرایشگر رهبر اسلامی، بی هویت هایی که معلوم نبود از کدام پستو سر بیرون آورده بودند، دونمایه هایی سرشار از توهم که کسی هستند، شهادانی که حتی خود را فریب داده بودند، دور خمینی

## کارگران هپکو و آذر آب اراک دست به راهپیمایی و تجمع زدند

### وزیر صنعت و معدن سفر خود به استان مرکزی را ملغی کرد

مشابهی مواجهند. فضا در این شهر و برخی دیگر از شهرهای استان مرکزی چنان اعتراضی است که وزیر صنعت و معدن سفر امروز خود به چند شهر استان مرکزی را لغو کرد.

مقامات حکومت بارها به کارگران این مراکز قول داده اند که به خواست های آنها رسیدگی کنند اما

برای همه کارگران روشن است که این قول و قرارها پیشیزی ارزش ندارد. کارگران باید دست به تجمعات همزمان و متحدانه بزنند، با حضور خانواده های خود در خیابان های شهر راهپیمایی کنند و حمایت و همبستگی مردم را جلب کنند.

فضای اعتراضی عمومی در اراک زمینه حرکت های بزرگ و متحد کاری را فراهم کرده است. تنها در این صورت است که کارگران موفق

میشوند حقوق خود را از حلقوم مفتخوران بیرون بکشند و خواست های خود را به آنها تحمیل کنند. زیر بار ستم نمیکنیم زندگی و مشکل ما حل نشه اراک قیامت میشه و شعارهای مشابهی که قدرت و اتحاد کارگران را نشان بدهد توجه مردم را نیز جلب میکند و

مفتخوران حاکم را به وحشت می اندازد. کارگران باید با قاطعیت در مقابل عناصری که سعی میکنند شعارهای مذهبی را در تجمعات آنها برجسته کنند و میان کارگران تفرقه بیندازند بایستند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۸ شهریور ۱۳۹۶، ۳۰ اوت ۲۰۱۷

کارگران کارخانه هپکو امروز ۸ شهریور دست به راهپیمایی در وسط شهر اراک زدند و در حالیکه شعار میدادند مشکل ما حل نشه اراک قیامت میشه خیابان ملک در مرکز شهر را بستند. بخشی از دستمزد کارگران هپکو از دیمه سال قبل تاکنون پرداخت نشده است.

همزمان با تجمع کارگران هپکو، کارگران آذر آب اراک نیز دست به تجمع در مقابل سازمان صنعت و معدن زدند و سپس بطرف استانداری راهپیمایی کرده و وارد محوطه استانداری شدند. کارگران آذر آب نیز شش ماه مزد طلب دارند.

کارفرماهای این دو کارخانه بیمه کارگران به تامین اجتماعی را نیز پرداخت نکرده و نزدیک به ۳۰۰۰ کارگر این دو مرکز با مشکل تصدید

دفترچه های خود روبرو هستند و در ماههای گذشته بارها دست به تجمع و راهپیمایی زده اند. راهپیمایی چندماهه قبل کارگران هپکو و خانواده های آنها در مرکز شهر با شعار زیر بار ستم نمیکنیم زندگی انعکاس

گسترده ای در سطح کشور داشت. این شعار سپس توسط بازنشستگان تکرار شد. شعار امروز آنها، مشکل ما حل نشه اراک قیامت میشه، نیز تکرار شعار کارگران فولاد اهواز است که چند هفته قبل در اهواز سر داده شد.

فضای شهر اراک بشدت اعتراضی است. کارگران کمباین سازی و ماشین سازی اراک و تعداد دیگری از کارخانه های بزرگ و کوچک این شهر نیز با مشکلات

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

# Free Them Now!

## در ادامه کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات

اعتراض علیه حکم شلاق شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتراض به بازگرداندن رضا شهبایی عضو هیات مدیره سندیکای واحد به زندان و محکومیت او به ۹۲۸ روز دیگر، اعتراض به احضار علی نجاتی از رهبران سندیکای نیشکر هفت تپه به دادگاه، اعتراض به فشار برای بازگرداندن محمود بهشتی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان، ادامه بازداشت اسماعیل عبیدی از رهبران شناخته شده اعتراضات معلمان و محسن عمرانی معلم معترض در بوشهر و اعتراض علیه تشدید فشارها بر روی رهبران کارگری و فعالین اجتماعی علیه امنیتی کردن مبارزات است. خواست مشخص این کارزار لغو تمامی احکام زندان برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی است.

کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی با بیانیه هایشان، با طومارهایشان، با نامه های اعتراضی به نهادهای بین المللی و با شعارهای اعتراضی شان در تجمعات اعتراضی شان و با خواستهای آزادی فوری رضا شهبایی، اسماعیل عبیدی، محسن عمرانی، لغو احضار علی نجاتی به دادگاه، متوقف کردن فشار بر روی محمود بهشتی برای بازگرداندن او به زندان اعتراضات خود را علیه امنیتی کردن مبارزات اعلام میدارند. از جمله در تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان یکی از شعارهایی که داده شد خواست آزادی فوری اسماعیل عبیدی و محسن عمرانی دو تن از معلمان زندانی و آزادی همه زندانیان سیاسی بود. همچنین در هفته گذشته سندیکای کارگران نقاش استان البرز طی دو بیانیه

خواستار لغو حکم شلاق شاپور احسانی راد و آزادی رضا شهبایی شد. بعلاوه جمعی از کارگران و معلمان علیه حکم شلاق برای شاپور احسانی راد و در اعتراض به بازگرداندن رضا شهبایی بیانیه داده و به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض اعتراض کردند.

یک نمونه مهم از این اعتراضات، پیام همبستگی سندیکای نیشکر هفت تپه به بیست و هفتمین کنگره جهانی آی یو اف (فدراسیون اتحادیه های کارگری بخشهای صنایع کشاورزی، مواد غذایی، هتلداری، رستوران، توزیع مواد غذایی و تنباکو) است که از تاریخ ۲۹ اگوست تا ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ در شهر ژنو، برگزار میشود. سندیکای نیشکر هفت تپه در این

پیام ضمن آرزوی موفقیت برای کنگره آی یو اف از اینکه بدلیل محدودیت های امنیتی تحمیل شده بعنوان يك عضو این اتحادیه امکان شرکت در این کنگره جهانی را ندارد، ابراز تاسف کرده و مینویسند:

"از زمان راه اندازی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکا و بسیاری از کارگران هفت تپه هدف آزار و اذیت و پیگردهای قانونی قرار گرفته اند. در هفته های اخیر شاهد اقدامات سرکوبگرانه علیه ده ها تن از کارگران نیشکر هفت تپه و تشدید فشار بر سندیکا بوده ایم. از جمله بیش از ۶۰ نفر کارگر نیشکر هفت تپه در روزهای اخیر به دلیل شرکت در اعتصاب و همچنین به اتهام "تحریک کارگران" دادگاهی شده اند. همچنین، شعبه اجرای احکام دادگاه

انقلاب اندیمشک، در تاریخ ۲۴ اگوست ۲۰۱۷ طی ابلاغیه ای به آقای علی نجاتی، عضو هیات مدیره سندیکا، از او خواسته است که در ظرف ۵ روز خود را برای اجرای حکم زندان معرفی کند در غیراینصورت بازداشت خواهد شد. علی نجاتی با اتهامات واهی به ۶ ماه حبس محکوم شده است. در ادامه این پیام چنین آمده است: "طبق گزارش های رسیده، ده ها تن دیگر از کارگران نیشکر ممکن است به زودی به دلیل شرکت در اعتصابات اخیر دادگاهی شوند. همچنین اعضای دیگری از هیئت مدیره سندیکا به دادگاه احضار شده اند. این اعتصابات به دلیل پرداخت نشدن دستمزد و مزایای کارگران شاغل و بازنشستگان نیشکر هفت تپه و در اعتراض به روند خصوصی

سازی شرکت به وقوع پیوستند. خصوصی سازی شرکت از جمله موجب شده است که کارگران امنیت شغلی خود را از دست بدهند، دستمزدهایشان با تاخیر پراخت شود و نیروهای انتظامی در محیط کار مستقر گردند." در این پیام به وضع بخش های دیگری کارگری اشاره شده و چنین آمده است: "متأسفانه، در بخش های دیگر کارگری نیز شرایط مشابه ای حاکم است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز بطور دائم مورد اذیت و آزار قرار می گیرد. هم اینک، آقای رضا شهبایی، عضو هیئت مدیره این سندیکا، از تاریخ ۹ اگوست ۲۰۱۷، در زندان رجایی شهر در اعتصاب غذا به سر می برد." در خاتمه سندیکای نیشکر هفت تپه در پیام خود به



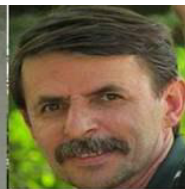
جعفر عظیم زاده



اسماعیل عبیدی



شاپور احسانی راد



محمود بهشتی



رضا شهبایی



محسن عمرانی



محمود صالحی



داود رضوی



ابراهیم مددی



علی نجاتی

اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی و مدنی ملفی باید گردد

کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد

اتحادیه آزاد کارگران ایران

# فاشیسم عریان جمهوری اسلامی!

## اعتراض مردم و عقب نشینی مفتضحانه حکومت!

فاشیستهای اسلامی لجنی را که استفراغ میکنند دوباره قورت دهند. کل این حکومت با همه قوانین اسلامی و فاشیستی اش باید از صحنه جامعه جaro شود. آن جنبشی که اجازه نداد حکومت اسلامی حتی یک روز این افکار و ضوابط فاشیستی را در سایتها نگهدارد، میتواند و باید کل این حکومت را همراه با قوانین و مقررات و ضوابط اسلامی و فاشیستی اش از جامعه ایران جaro کند و بر روی ویرانه هایش جامعه ای سازمان دهد که جایی برای یک مشت مفتخور عقب مانده و فاشیست که بتوانند خون مردم را در شیشه کنند باقی نماند، که جایی برای دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش باقی نماند که بجای مجازات شهروندانی که از آسیب های فیزیکی و روحی رنج میبرند و به جای تحقیر و مجازات آنها، بیشترین امکانات را برای کار مناسب و یک زندگی انسانی فراهم کند. جامعه ای که در قبال تک تک شهروندانش مسئول است و با از بین بردن استثمار و مفتخوری یک قشر اقلیت، امکان رفاه و یک زندگی انسانی توأم با منزلت و احترام را فراهم کند.

اعلام ضوابط فاشیستی توسط جمهوری اسلامی، واکنش سریع و قدرتمند اعتراضی مردم و عقب نشینی فوری و مفتضحانه حکومت نشانه روشنی از این حقیقت است که جامعه ایران به کمتر از سرنگونی حکومت فاشیست اسلامی رضایت نمیدهد و با تمام قوا خود را برای به گور سپردن آن آماده میکند.

زنه باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
سرنگون باد حکومت فاشیست اسلامی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۴ شهریور ۱۳۹۶ - ۲۶ اگوست ۲۰۱۷

تهپکاران فاشیست و ناسیونالیست قرن بیست، از لجنزار حکومت اسلامی در قرن بیست و یک بیرون زده است. در ایران اما یک جنبش وسیع و قدرتمند برابری طلب و آزادیخواه در جریان است که حکومت فاشیست اسلامی را ناگزیر کرد فوراً عقب نشینی کند و دست از پا درازتر به لانه هایش برگردد!

جوانان و زنان و مردم مدرن، پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب جامعه ایران آنچنان قدرتمند و فوری این ضوابط فاشیستی و مالیخولیایی را به تمسخر گرفتند که سران حکومت اسلامی مجبور شدند آنرا فوراً از سایتها بردارند. طوری که در فاصله یک روز از اعلامش فقط ۵ صفحه از فایل ۵۰ صفحه ای فاشیستی در سایت آموزش و پرورش باقی ماند! اما سطر به سطر آنچه باقی مانده نیز هر کدام به تنهایی سند یک حکومت فاشیستی و هیئت حاکمه ای به تمام معنی خبیث و جنایتکار است.

جنبش اعتراضی علیه این ضوابط فاشیستهای اسلامی آنچنان قوی بود که اسفندیار چهاربند رئیس "مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات وزارت آموزش و پرورش" ناگزیر شد با خفت اعتراف کند:

که "تمامی مواردی که مورد انتقاد قرار گرفتند، پیش از رسیدن به شبکه های اجتماعی از سوی این معاونت حذف شده بود، از جمله بخش مربوط به بیماری های زنان." که "قسمت مربوط به زنان کلا حذف شده است."

که آن ضوابط اصلاح شد و متنش را هم از روی سایت برداشتیم.

که "قدر هم اصلاح کردیم و گفتیم متعارف باشد! و دیگر عدد نمی دهیم."

که "یک مورد دیگر هم شماره چشم بود، آن را هم برداشتیم."

هنوز کافی نیست که

وزارت آموزش و پرورش حکومت اسلامی اخیراً ضوابط استخدام معلمان در حکومت اسلامی را اعلام کرد. موارد زیر فقط گوشه هایی از ضوابط اعلام شده هستند که قرار است بر طبق آنها انسانهای شریف این جامعه از کار در شغل معلمی محروم شوند:

اختلالات زنانگی و پرید، نابابوری، موهای زاید صورت، بلوغ زودرس یا دیر رس، سابقه جراحی رحم، سرطان سینه، میگرن شدید! کوتاهی یک پا بیش از ۱۰ سانتیمتر!

کمتر بودن تعداد دندانها از ۲۰ عدد!

آسیب اعصاب صورت که منجر به "کرات منظر" شود!

جراحی در یچه قلب و سنگ کلیه!

لهجه غلیظ و غیر قابل تغییری که مانع تلفظ برخی حروف فارسی مثل چ، گ، ژ، ق شود!

اینها فقط بخش کوچکی از لیست بلندبالای "بیماریها و نقص عضوها" هستند که توسط متخصصین پزشکی سادیست حکومت اسلامی در ضوابط ۵۰ صفحه ای وزارت آموزش و پرورش این حکومت ردیف شده اند! اما از حکومتی که بنیادش بر انواع تبعیضها، تبعیض طبقاتی، جنسی، نژادی، سیاسی، عقیدتی و غیره استوار است، از حکومتی که زن بودن نزد آن جرم است، حکومتی که کودکان افغانستانی را به جرم اینکه پدرشان متولد کشور دیگری است، از داشتن شناسنامه و امکان تحصیل محروم کرده و دسته جمعی آنها را مجازات میکند و شهرداریهایش ورود شهروندان افغانستانی به پارکها را ممنوع میکند، انتظاری جز اعلام اینگونه ضوابط بیمارگونه فاشیستی نیست. این یک فاشیسم عریان است که اینبار به جای هیتلر و موسولینی و

اراک قیامت میشه و راهپیمایی آنها و کارگران آذر آب اراک در روز هشتم شهریور در شهر اراک است، جمهوری اسلامی بر فشارها و تهدیداتش بر روی فعالین و رهبران کارگری و فعالین اجتماعی شدت داده است. کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، یک پاسخ مهم ما در تقابل با این تعرضات و جلو بردن قدرتمند مبارزاتمان است. با تمام قوا به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی پیوندیم. خواستار لغو فوری حکم بربریت شلاق برای شاپور احسانی راد و قاطعانه خواستار لغو حکم شلاق این شکل شیخ مجازات اسلامی که تحقیر آشکار بشریت است، بشویم. خواستار آزادی فوری رضا شهابی، اسماعیل عبدی، محسن عمرانی، آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام و تمامی زندانیان سیاسی شویم. احضار علی نجاتی به دادگاه و فشار دائم بر روی کارگران معترض نیشکر هفت تپه و فشار برای بازگرداندن محمود بهشتی به زندان شویم.

کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی و آزادی فوری کارگران، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه دارند. صدای این کارزار باشیم.

شاهلا دانشفر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۸ شهریور ۹۶، ۳۰ اوت ۲۰۱۷

Shahla.daneshfar2@gmail.com  
http://free-them-now.com

Yahsat

کانال جدید

KANAL JADID

پلاریزاسیون	فرکانس
عمودی	۱۲۵۹۴
اف ای سی	سیمبل ریت
۲/۳	۲۷۰۰

کنگره آی یو اف خواستار محکوم کردن حکومت اسلامی بخاطر نقض مستمر حقوق کارگران در ایران شده و مینویسد: "ما از نمایندگان منتخب در ۲۷ مین کنگره جهانی آی یو اف درخواست می کنیم که نقض مستمر حقوق کارگران در ایران و بازداشت و اذیت و آزار کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم کنند. اقدامات فوری شما از جمله تصویب یک قطعنامه اضطراری در این کنگره بسیار یاری دهنده خواهد بود. از همه شما بسیار سپاسگزاریم و برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی داریم."

قبلاً نیز تشکل های مختلف کارگری چون اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای واحد، کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی و چهره های سرشناس کارگری چون پروین محمدی، محمود صالحی، شاپور احسانی راد، جوانمیر مرادی طی بیانیه هایی احضار و تهدید فعالین کارگری و معلمان معترض را محکوم و بر احکام وحشیانه شلاق و زندان اعتراض خود را اعلام کرده اند. در این هفته نیز جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که خود ۶ سال حکم زندان دارد طی دو بیانیه اعتراض خود را علیه فشار آوردن بر محمود بهشتی برای بازگرداندن او به زندان و بازگرداندن رضا شهابی به زندان و سرباز زدن از پاسخ گفتن به خواستهای برحق او اعلام داشت.

در سطح بین المللی نیز آی تی اف، اتحادیه بین المللی ترانسپورت، ۵ سندیکای عمده کارگران فرانسه، سی. اف. د. ت. س. ژ. ت. اونس، اتحادیه سندیکائی سولیدر و اف. اس. او (فرهنگیان) واتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا با انتشار بیانیه هایشان خواهان آزادی رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران شدند.

در شرایطی که ۹۰ اعتراضات کارگری، هر روز گسترده تر میشود و نمونه های بارزش تجمع سراسری بازنشستگان در ۳۱ مرداد در مقابل مجلس اسلامی با شعار های اعتراضی شان علیه فقر، تبعیض و نابرابری و راهپیمایی کارگران گروه صنعتی ملی در اهواز در دو هفته قبل با شعار توپ، تانک، فشفشه و شعار کارگران هیکو در این هفته با شعار مشکل مشکل ما حل نشه،